

خیز برای بکارگیری الگوی عراق

از راه قانون اساسی

(۲)

امیرفیض- حقوقدان

در قسمت آخر تحریر فوق این اشاره بتصریح آمده است که:

حکومت فعلی آمریکا ممکن است احتمالاً به اقداماتی علیه ایران دست بزند و برای جلوگیری از برخی صحبت ها و اعتراضات نیازه مشروعیتی دارد که بتواند اقدامات نظامی علیه ایران را توجیه کند.



درست است که آمریکا ملاحظاتی از باب عدم رعایت حقوق بشر و یا دخالت در ناآرامی های کشورهای از جانب جمهوری اسلامی دارد ولی آنها ایجاد حق و مشروعیت برای آمریکا و یا سایرکشورها در مورد اقدامات نظامی نمیشود و مشروعیت اقدام نظامی علیه کشورها نیازه قطعنامه شورای امنیت دارد.

ولی از آنجا که حقوق بین الملل مجموعه ای از روشهای جریان یافته بین کشورهاست امروزه کشورها با استفاده از مخالفان دولتها و اخذ تصدیق از آنها و یا همراهی کشورها به اقدامات نظامی و یا مداخلات سیاسی اقدام میکنند نمونه ای که میتوان در مورد همکاری کشورها ارائه داد، حمله آمریکا به عراق بود که بعلت همکاری و مشارکت گروهی از کشورهای جریان غیرقانونی آن ادامه یافت. و در مورد استفاده از مخالفان دولت ها میتوان به تحریم های اقتصادی آمریکا علیه ایران استناد کرد که آقای اوباما گفت: <تحریم های کمرشکن علیه ایران بنا بر درخواست ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی بوده است>.

اما بعد

✿ نظریه اینکه اخبار منتشره و برداشت از اظهارات آقای ترامپ نشان میدهد که بیم اقدامات نظامی علیه ایران وارد است؛ و تازه ترین اظهارات ترامپ این است: <ایران دارد با آتش بازی میکند> و نظریه اینکه ایرانیان مقیم آمریکا دارای تابعیت آن کشور بوده و علی الاصول همه تابعین آمریکا موافق تصمیم دولت آن کشور به حساب میآیند.

لذا حساسیت موضوع حمله احتمالی آمریکا به ایران در حدی است که اگر ایرانیان بهرنحوی با سیاست نظامی آمریکا علیه ایران ابراز مخالفت نکنند و حتی سکوت نمایند نوعی اجازه و موافقت به اقدام نظامی

علیه ایران محسوب میشود و این همان چیزی است که در پشت پرده تظاهرات هفتم ماه می دقیقاً ملاحظه میگردد.

✱ مقصود از توضیح بالا این است که در جریان تظاهراتی که گفته میشود در هفتم ماه می برگزار میشود باید دستور جلسه نه تنها مسائل تبعی بلکه مسئله اساسی که آن تفاوت بین ملت ایران و حکومت اسلامی است و این همان واقعیتی است که بارها بتاکید اعلیحضرت آمده و نیز از کلام شخصیت های سیاسی آمریکائی شنیده شده است در آن تظاهرات مطرح شود و به عیان این واقعیت روشن مشخص شود که **حمله به ایران حمله به ملتی است که آن ملت اسیر قوم تبهکاری است بنام جمهوری اسلامی و ایران متعلق به ملت ایران است نه جمهوری اسلامی که اساسا به ملت و ملیت و کشور و وطن اعتنائی ندارد.**

✱ تظاهرات تکلیف دارد و «نه اینکه آسه برو آسه بیا که گربه شاخت نزنه» صریح و قاطع از دولت آمریکا بخواهد که در امور کشور ما دخالت نکند و موانعی را که در سر راه مبارزه ملت و نماد اقتدار آن ایجاد کرده است بر دارد و به دخالت های آشکار و مهار کردن ملت ایران در نجات کشورش پایان بدهد تا بنگرد که ایرانیان سالهای قبل میتوانستند کشورشان را نجات دهند و این آمریکا و انگلستان و شرکای گوادلپ بودند که سنگ را بستند و سگ را گشوده اند.

✱ ایرانیان اگر در آن تظاهرات که گفته میشود با اعتبار مالی کشور آمریکا و شخصیت هایی از آن کشور و عملجات ایرانی آنها مدیریت میشود شرکت میکنند تکلیف دارند که از این موقعیت حساس استفاده کنند و صدای ناشنیده تحمیل تحریم های سیاسی به نماد ملی ایرانیان را دقیقاً و در کلامی استوار بنام ایران اعلام کنند و در قطعنامه ای که قبلاً تهیه میشود خواست خودشان که پایان دادن به تحریم های سیاسی نماد ملی ایرانیان است اعلام کنند و اگر خود را قادر به انجام چنین تکلیف وجدانی و میهنی نمیدانند ندای وجدان و اعتقاد خود را بشنوند که میگوید **کنار بکشید** «اگر نمیتوانید به برچیدن ظلم کمک کنید، بقای ظلم را حمایت نکنید».

✱ **اقدامات نظامی علیه ایران سبب ویرانی ایران و کشتار ملت بی پناه ایران و بقای بیشتر همین قوم وحشی و جنایتکاری خواهد شد که آمریکا و اقمار آن کشور، بر ملت ما تحمیل کرده اند.**

بیانیه منتسب به اعلیحضرت

اهمیت ماهیت تظاهرات هفتم می که بوی ناخوشایندی از آن دریافت میشود اجازه نمیدهد که بیانیه ای در این حد ضعیف انتشار یابد بیانیه را باتفاق میخوانیم:

«اخیراً شایعاتی مبنی بر حضور شاهزاده رضاپهلوی در جمعی از ایرانیان در کنگره آمریکا به منظور (۱) پیشنهاد طرحی درباره قانون اساسی آینده ایران قوت گرفته که بی اساس و عاری از حقیقت است (۲) از آنجائیکه تنظیم قانون اساسی باید توسط نمایندگان منتخب مردم در مجلس موسسان مملکت که (۳) نمایندگان آن از طریق دموکراتیک انتخاب میشوند انجام پذیرد، اینگونه جلسات انهم به منظور جلب حمایت تنی چند از نمایندگان کشوری که کشور خارجی نمیتواند مقبول و برخوردار از اعتبار لازم باشد».

(۱) بیانیه نشان میدهد که شایعات مبنی بر حضور اعلیحضرت در کنگره آمریکا، درست نیست و یا اساساً مسئله طرح قانون اساسی آینده ایران در کنگره آمریکا مطلبی است شایعه و پرداخته شده.

(۲) دخالت یک کشور خارجی در امر قانون اساسی یک کشور آنهاً آنطور که بیان شده در کنگره و تحت حمایت تنی چند از نمایندگان آن کشور که آمریکا است یک محکومیت و ممنوعیت بین المللی است و این محکومیت، با مقبولیت و اعتبار که ناشی از حقوق خصوصی است تفاوت دارد.

(۳) اعلیحضرت به اعتبار سنت و فرهنگ ملی ایرانیان و نص قانونی، پاسدار حرمت قانون اساسی مشروطیت هستند نمیتوانند در این مقوله از تکلیف قانونی و هویتی خودشان در حمایت از قانون اساسی مشروطیت کوتاهی بفرمایند یکبار در اثر خیانت داریوش همایون متاسفانه این کار نسبت به قانون اساسی مشروطیت روی داد و اکنون نباید همان کار در مسیر کنگره آمریکا و با مشارکت ایرانیان صحنه تانید بگیرد، این کم توجهی امروز در کنار کم لطفی های سابق به تداوم قانون اساسی مشروطیت، ماهیت بیانیه را به مصداق این بیت شیخ بهائی نزدیک میسازد:

باطنش چون کور کافر پرخلل وز درون قهر خدا عزوجل

* تکلیف، در توجه دادن به مسئولین آمریکا است که در مسئله قانون اساسی آینده ایران دخالت و حمایت نکنند و این ننگ پاک نشانی را بر تاریخ کشور خودشان و مبارزات آزادیبخش ملت ایران منقوش نسازند. ایرانیان قانون اساسی مترقی مشروطیت را دارند که احتمالاً اگر تجدید نظری در آن لازم باشد به سیاق همان صراحتی که در آن قانون منظور شده عمل خواهد شد.

* کدام ننگ از این بالاتر است که قانون اساسی آینده ایران در کنگره آمریکا وزیر نظر نمایندگان کنگره آن کشور مطرح شود؟ در چه زمانی و نسبت به کدام کشوری این مقوله ذلت بار جریان داشته است؟ اینهم از تراوشات دموکراسی خواهی آمریکائی است؟ ملتی را که قانون اساسی او را کارشناسان آمریکائی و یا ایرانیان دارای تابعیت آمریکا بنویسند و در کنگره آمریکا تصدیق و کسب مشروعیت!! کند آن ملت، ملت نیست. آن ملت کجا لیاقت ایران و ایرانی بودن را دارد؟ جمهوری اسلامی وطن ما را اشغال کرده عقل و شرافت ما را که نگرفته که زیر بار این خفت و جهالت بی سابقه در جهان برویم.

* ابتدا قانون اساسی مشروطیت را بخشی از عوامل آمریکا (داریوش همایون) بی اعتبار اعلام کردند و اکنون بخش دیگری از همان عوامل آمریکا در وضعی وسیعتر دارند یک قانون اساسی آمریکائی با مشروعیت!! آمریکا را جایگزین آن میکنند با اصطلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی به مراتب شرافت بیشتری بر این قانون دارد.

* اعلیحضرت بارها فرموده اند: «اقدامی نکنید تا من بگویم چه کنید» دوباره هم فرموده اند که «پشت کوه قاف تشریف ندارید و ایرانیان در مورد مشکلات و برخوردها از اعلیحضرت سوال کنند».

بیانیه اعلیحضرت به هیچوجه تعیین تکلیف نسبت به خیزی که آمریکائی ها بنام قانون اساسی برداشته اند و زمینه سازی برای حمله نظامی به ایران میکنند نیست دستورصریح و قاطع و روشن لازم است که ایرانیان حذر کنند از کمک و مساعدت و همراهی در این طرح.^۱

*** اعلیحضرت یک میلیون دویست هزارتن از ایرانیان خارج از کشور را سلطنت طلب میدانند به همین میزان در هر مقام و موقعیتی که برای خودشان قائلند در این فاجعه در جریان، مسئولیت دارند. بیانیه مزبور جوابگوی مسئولیت مزبور نیست.**

*** شورای تجزیه طلبان اعلیحضرت بنا برگفته مسئولین ان شورا ۵۰ هزار عضو دارد چراخفقان گرفته است که حتی جرات دادن بیانیه ندارد و بنام رضا پهلوی بیانیه را داده است.**

مگر در قطعنامه شورا احترام به حق حاکمیت منظور نشده است، این تعدی عیان به حق حاکمیت ملت در تنظیم قانون اساسی آنهم زیر نظر کنگره من های آمریکائی و تحصیل مشروعیت!! با پول وامکانات آمریکا چه چیزی از حق حاکمیت نیم سوخته ایران باقی میگذارد.

دستآورد

این درست است که دورخیزهای تازه برای تنظیم قانون اساسی به هر روی که باشد و هست تاثیری در حقانیت تداوم مشروعیت قانون اساسی و متمامات آن ندارد اما این وضوح و حق مشخص سیاسی ایرانیان که مدارک و مستندات آن به کرات ارائه شده است نباید سبب شود که ایرانیان در جبهه های معارض با حق حاکمیت ملت و تداوم مشروعیت قانون اساسی و تبعات آن ساکت بمانند، مثالش روشن است؛ کسی که خود را مالک خانه و ملکی میداند نباید بهنگام معارضه و یا تجاوز به آن به اعتبار سند و حق مالکیتی که دارد ساکت بماند؛ **حق برای اینکه پایدار و زنده بماند نیاز به حراست و تقویت دارد.**

ما ایرانیان تکلیف داریم از وطنمان دفاع کنیم، از حقوق ملت دفاع کنیم از پادشاه و نماد ملی کشورمان دفاع کنیم همه اینها از پایگاه حقوقی قانون اساسی مشروطیت و تداوم آن جان حقوقی و مشروعیتی مییابد.

۱- افتخار ایرانیان در همه جا حتا در کتابخانه کنگره آمریکا و کتاب هایی که به تاماس جفرسون نسبت داده میشود، این است که قانون اساسی آمریکا از روی قانون کشور داری داریوش نوشته شده است و حالا کسانی پیدا شوند و قانون اساسی یا پیش نویس قانون اساسی یا هر قانون کشور ما را در کنگره آمریکا و با تایید آمریکایی ها بنویسند. به راستی چه خفتی بالاتر از این خواهد بود؟ ح-ک